

سرآب خوشبختی

آذر 14, 1395

نشریه الکترونیکی نگاه: روزی که با او ملاقات کردم در نگاه اول خشکم زد چون عکس هایی که از وی در تلگرام دیده بودم زمین تا آسمان فرق می کرد. تصور من از او یک دانشجوی 20 ساله با ظاهری آراسته بود برای همین وقتی جلوتر آمد و نامم را خطاب کرد زبانم در دهانم خشکید. از چند فرسخی می شد فهمید که معتاد است با قیافه ژولیده و آشفته که بالای 30 سال را نشان می داد. راه برگشت نداشتم من از خانه فرار کرده و دیگر روی بازگشت نداشتم. با وجودی که حتی از نگاه کردن به چهره ی او کراهت داشتم با قدم های لرزان با او به راه افتادم. وقتی پیشنهاد داد به شهر دیگر برویم مقاومتی نکردم. وقتی وارد شهر دیگری شدیم سرگردان به این طرف و آن طرف می رفتیم. نه کس و کاری داشتیم و نه آشنایی؛ بعد از یک هفته تحمل سرگردانی مرا به حال خود رها کرد و رفت. من هم با رویی خجل به خواهر بزرگم پناه بردم چون از روبه رو شدن با پدر و مادرم واهمه داشتم.

این حملات تکان دهنده از زبان دختر 15 ساله بود که با ساده انگاری خود فریب خورده و از خانه به امید روزهای قشنگ و خوشبختی فرار کرده بود. اما... حالا چرا فرار؟!

پدر و مادر، هر دو بی سواد و بالای 55 سال دارند. آنقدر با هم بیگانه هستند که کاری به کار هم ندارند. دختر نوجوان می گوید: پدر و مادرم حتی به ندرت با هم سر سفره می نشستند. از وقتی که وارد دبیرستان شدم احساس کردم علاقه و رغبتی برای درس خواندن ندارم وقتی می دیدم که والدینم توجهی به من و کارهایم ندارند رفته رفته غیبتم از مدرسه زیاد شد. بهترین سرگرمی من یا بهتر بگویم همه زندگی من خلاصه شده بود درچت کردن و سیر در سایت های مختلف. این سرگرمی به نوبه خودش باعث افت تحصیلی ام شد. تنها دوستم هاله که اهل یک محله ایم، اوضاعش بهتر از من نبود. تقریباً هم درد بودیم چه شبها که تا دیر وقت به بهانه درس خواندن، فارغ از همه دنیا با اینترنت و تلگرام خوش بودیم. 5 ماه قبل از طریق همین شبکه با پسری که ساکن شهرستان همجوار بود؛ دوست شدم. من تشنه محبت و توجه بودم و بهروز محبتش را از من دریغ نمی کرد البته ارتباط ما فقط از طریق اینترنت بود و با عکسهای قشنگی که از خودش می فرستاد، فرشته نجاتی از او در ذهنم ساخته بودم که

وقتی ادعا کرد که میخواهد مرا از نزدیک ببیند خیلی خوشحال شدم با وجودی که ترس و تردید وجودم را گرفته بود اما با خود گفتم : من هم حق دارم که در آرامش و رفاه زندگی کنم . بهروز قول داده بود خوشبختم خواهد کرد و من به سادگی باورش کردم ...

ستوان دوم سمیه هاشمی کارشناس ارشد روانشناسی بالینی در تحلیل و آسیب شناسی در گفتگو با خبرنگار نشریه الکترونیکی نگاه با بیان اینکه افزایش روز افزون فرار دختران از کانون گرم خانواده و پیامدهای مخرب آن بر فرد، خانواده و جامعه یکی از آسیبهایی است که در سالهای اخیر گریبان گیر جامعه اسلامی ما شده است؛ اظهار داشت: این آسیب اجتماعی یک پدیده چند علتی است بطوریکه عوامل مختلفی دست به دست هم داده و زمینه را برای بروز این پدیده بوجود آورده اند.

هاشمی در بعد فردی به مسائل ناشی از دوران بلوغ اشاره و گفت: یکی از مسایل مورد توجه در فرار دختران، سن فرار است. در این سنین احساسات و هیجانات شدید با بحران بلوغ همراه شده و نوجوان را وامی دارد که بدنبال هویت خود باشد و اغلب آن را در گروه همسالان خویش می یابد. از سوی دیگر، تعداد زیادی از مشکلات عاطفی، فرهنگی، فکری و شناختی که در دختران فراری دیده می شود، مشکلاتی است که معمولا در دوران نوجوانی و بلوغ بوجود می آید و از ویژگی های این دوره به شما می رود .

هاشمی افزود: در خصوص مورد فوق الذکر عدم توجه و برخورد نادرست والدین به ویژگی های روانی و عاطفی دختر نوجوان خود (زودرنجی و احساساتی بودن، گوشه گیری و درون گرایی و جلب توجه دیگران) باعث تزلزل شخصیت و هویت نوجوان شده و این نوجوان به دلیل نداشتن هدف مشخص و الگوپذیری نادرست از دوست همسال خود، نیازها و دلبستگی های خود را در بیرون از خانه جستجو کرده و تصمیم به فرار از منزل می گیرد.

وی در ادامه به نقش خانواده در فراهم نمودن زمینه فرار دختران از منزل اشاره و گفت: با وجودی که خانواده پیکره اصلی جامعه محسوب شده و نقش مهمی در پرورش فرزندان دارد اما یکی از مهمترین عوامل فرار، سلب آرامش روانی و عاطفی فرزندان در محیط خانه و خانواده است . زمانیکه در خانواده به جای توجه به مسائل و نیازهای فرزندان، فقر فرهنگی و تربیتی و رفتاری و اقتصادی حاکم می شود، دختران از خانه فرار می کنند.

نوجوان مذکور نیز زمانی که با بی توجهی عاطفی و اختلافات زناشویی والدین مواجه می شود با ترک کردن مدرسه و افت تحصیلی به این بی توجهی ها پاسخ می دهد اما والدین همچنان با رها نمودن فرزند به حال خودزمینه بروز آسیب را در دختر نوجوان خود فراهم می سازند .

هاشمی در بعد فرهنگی به نقش رسانه های گروهی خصوصا ماهواره و اینترنت اشاره و تاکید کرد؛ که نوجوان امروز با الگوپذیری و تاثیر پذیری مستقیم از ماهواره و اینترنت دچار انحطاط اخلاقی، عدم پایبندی مذهبی و بلوغ زود رس می شود همچنان که اعتیاد به اینترنت در مورد این نوجوان کاملا مشهود است و در نهایت با اعتماد به فرد بیگانه در فضای مجازی اقدام به فرار از منزل می کند . متاسفانه شواهد نیز حاکی از آن است که بعد از گذشت بیست و چهار ساعت از فرار یک دختر ، آسیب های غیر قابل بازگشتی متوجه او می شود .

توصیه های پیشنهادی

1) ایجاد و تقویت مراکز مشاوره ای مفید و کارآمد در مدارس یا تمام مناطق آموزش و پرورش استانها و شهرها و همچنین در مناطق آسیب پذیر

2) تقویت ارتباط میان والدین دانش آموزان با مربیان و عدم واگذاری مسئولیت تربیت فرزندان به مدرسه یا خانواده به تنهایی

3) تهیه و نمایش فیلم های آموزشی درباره اثرات انواع روش های نادرست تربیتی (از جمله: محدودیت زیاد، آزادی زیاد، فاصله عاطفی و...) فقط برای اطلاع والدین

4) اجبار در انجام تست روانکاوی و سلامت سنجی روحی و روانی از کلیه دانش آموزان و شناسایی دانش آموزان مستعد از لحاظ ویژگی های روحی و خانوادگی و الزام به مراقبت های روانکاوی از آنها

5) بها دادن به مساله ترک تحصیل یا فرار از مدرسه دانش آموزان و ضرورت ارتباط با والدین آنها جهت بررسی مشکل آنان

6) استقرار مددکاران در پارکها، ترمینالها، و راه آهن برای شناسایی و کمک به دختران فراری

7) ضرورت آشنایی نیروی نظامی به ویژه پلیس زن، با مسائل روانشناختی دختران فراری و خرده فرهنگ آنها

8- آموزش جوانان در خصوص استفاده صحیح و درست از شبکه های اجتماعی و اینترنت